

دادگاه اکبر طبری: از نمایش عدالت طلبی قوه قضائیه تا خط و نشان برای تصفیه‌هایی در

کمین



مسئله‌ی دادگاه طبری، حکایت عزم جزم یک قوه یا مجموعه‌ی نظام برای فسادزدایی از ساختارش و گام برداشتن در مسیر عدالت نیست، بلکه حکایت، حکایت تصفیه‌های درون قدرت است برای خیز به سوی بازآرایی جدیدی از طبقه‌ی حاکم، در کنار سنجش درجه‌ی حرارت جامعه برای پذیرش این بازآرایی.



دادگاه اکبر طبری:

از نمایش عدالت طلبی قوه قضائیه تا خط و نشان برای تصفیه های در کمین

1. اکبر طبری، معاون اجرایی قوه ی قضائیه در زمان ریاست آملی لاریجانی در حال محاکمه شدن به اتهام پولشویی است. از این نظر موضوع شگفت آور نیست، چراکه از ابتدای انقلاب حاکمیت جمهوری اسلامی نظیر هر ساخت قدرت بورژوازی دیگر، جناح بندی های درونی دارد که بر سر بازی قدرت هر از چندی تعیین و تکلیف های از این جنس با هم می کنند: از مورد صادق قطب زاده تا بنی صدر و از منتظری تا کرباسچی و در این سال های نزدیک تر از مه آفرید امیرخسروی، زنجانی و مشایی و بقایی تا اینک اکبر طبری و کسی چه می داند در ادامه شاید صادق آملی لاریجانی، حسن روحانی، جهانگیری و

2. حتما که اعداد و ارقامی که در دادگاه طبری به آن ها اشاره می شود تکان دهنده و خشمگین کننده است:

- نماینده دادستان در سومین دادگاه اکبر طبری: قرارداد کدام کار اقتصادی است که دستمزد یک کارمند قوه که باید در محل کار خود هم حاضر می شده در سال ۸۳ تا ۸۶ مبلغ ۸ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان می شود؟ اگر با سود متعارف بانکی هم حساب کنید این رقم بسیار نجومی می شود.
- نماینده دادستان: دومین رشوه شما از نجفی برای ملک کریم خان بوده است و سومین رشوه واحد اداری تجاری سانا بوده که در حال حاضر هر متر آن ۵۰ میلیون تومان است. همچنین زمین مشجر لواسان در حال حاضر ۲۰ میلیارد تومان است. کدام قرارداد است که این همه به شما سود رسانده است؟

-اما تعجب برانگیزتر از این اعداد و ارقام، اعتماد به نفس نماینده دادستان و دستگاه قضاست که می پندارند بدنه ی جامعه می تواند باور کند که این فساد اداری به خاطر از خدا بی خبری آقای طبری و

دوستان‌شان است که حاضرند در صورت لب تر کردن او کل لواسان را هم به نامش کنند. حقیقتاً چطور می‌شود که زیر گوش قوای قهریه ی مملکت، این اعداد نجومی بی هیچ چراغ سبزی از ناحیه ی بالادست جا به جا شود؟! طبری بوضوح از دوستانی می گوید که اراده کند جای جای این مملکت را برایش به نام می زنند. این دوستانِ توانمند چطور بوجود آمدند؟ آیا رسیدن به این حد از توانمندی مرهون تلاش های شبانه روزی‌شان است یا که کمک کاری در سپاه و بیت رهبری داشتند؟

3. پُرویی طبری در اشاره اش به دوستانِ توانمندِ لواسان، آن هم در دادگاهی که علنی است و پای چنین اعداد و ارقامی در آن وسط است حتما که بی دلیل نیست. او با هشجاری تمام دارد به ما مخاطبان دادگاهش، پیامی از جنس پیام کسی که به آخر خط رسیده است و جمله ی قصار «دیگی که برای من نجوشد می خواهم سر سگ در آن بجوشد» ورد زبانش است، مخابره می‌کند:

“جملگی این کسانی که دارند مرا محاکمه می‌کنند رفقای لواسان فروش و باستیل هیلز ساز و اقدسیه نشین دارند و من که می بینید ریزه خوارِ فرد خنگ این مجموعه ام که مجال نشد کثافت کاری هایم را لاپوشانی کنم؛ تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!”

4. هزاران پُرسش ذهن توده های جامعه را به خود مشغول داشته:

▪ اگر اکبر طبری معاون اجرایی قوه قضائیه بوده و اکنون محرز شده که این جرم ها را انجام داده، تکلیف صادق آملی لاریجانی که در هنگام دستگیری طبری از او دفاع کرد و گفت این اتهامات کذب است و در زمان ریاست او بر قوه قضائیه موضوع بررسی، و بی‌گناهی طبری ثابت شده چیست؟ چرا لاریجانی را دستگیر نمی کنند؟

آیا پای مصلحت نظام در میان است که یک هو زیرآب یکی از قصابان ده ساله اش به عنوان رئیس قوای تنبیه و مجازات نخورد؟ شاید آسیاب هنوز به نوبتِ خاندان لاریجانی ها برای تصفیه تمام و کمال از قدرت نرسیده است.

▪ اگر ماجرای پرونده‌ی اکبر طبری، به عنوان کارمند رسمی قوه قضائیه فساد در این ابعاد است پس چگونه باید این حرف رئیسی را فهمید که «در دستگاه قضایی یک درصد تخلف داریم؟!»

آیا از هنگام نشستن رئیسی بر این مسند ظرف چند ماه قاضی های فاسد و کارمندانی نظیر طبری تا اندازه ای شناسایی و تصفیه شدند که امروز فساد در دستگاه قضایی به یک درصد رسیده است؟ یا شاید باید این جمله ی جناب قتل و عام را سوتی دادنی از نوع هم‌نشینی با امیر تتلو برای رأی آوری در سال 96 دانست؟ سوتی دادنی که گواهی می‌دهد مسئله ی دادگاه طبری، حکایت عزم جزم یک قوه یا مجموعه ی نظام برای فسادزدایی از ساختارش و گام برداشتن در مسیر عدالت نیست، بلکه حکایت، حکایت تصفیه های درون قدرت است برای خیز به سوی بازآرایی جدیدی از طبقه ی حاکم، در کنار سنجش درجه ی حرارت جامعه برای پذیرش این بازآرایی.

